



زبان و ادبیات فارسی

آرایه‌های ادبی : تناقض

سجاد فیاض

تناقض (متناقض نما ، پارادکس)

تعریف رماتیک وار : دو عمل متضاد که هم زمان همدیگر را نقض می کنند. جیب هایم پر از خالی است. در ناامیدی بسی امید هست.

استاندارد با این تعریف می تونم تست بزنم؟؟؟

معلومه که نه..... با من بیا تا بهت روش یاد بدم.

روش اول :

(جمع ، مجموع ، جمعیت) ~~≠~~ (تفرقه ، پریشانی ، آشفتگی ، پراکندگی) به شرطی که فعل مثبت و از یک نفر و در یک زمان واحد رخ بده.

* در خلاف آمده عادت بطلب کام که من کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

بپا : (جمع ، مجموع ، جمعیت) به معنا افراد حاضر نباشد. میان جمع پریشان شاهدهی شده ام که از مشاهدش مجمعی پریشان است

بپا : بین (جمع ، مجموع ، جمعیت) (تفرقه ، آشفتگی ، پراکندگی ، پریشانی) ((گاه ، یا)) نیاد. جمع گاه پریشان / جمع یا پریشان

روش دوم :

دو کلمه مثل هم تکرار شود که قبل کلمه تکراری دوم (بی ، نا ، لا) با آخر (فعل نیست ، منفی) بیاد.

* برگ بی برگی نداری لاف درویشی مزن رخ چو عیاران نداری جان چو نامردان مکن

* مرگ بی مرگی بود ما را حلال برگ بی برگی بود ما را نوال

* محرم این هوش جز بی هوش نیست کر زبان را مشتری جز گوش نیست

* تمام ناتمام * مرد نا مرد * ملک لا مکان

* بر بساطی که بساطی نیست

این مدعیان در طلبش بی خبرانند کان را که خبر شد خبری باز نیامد

تذکر : این ها هم می توانند جابه جا شوند هم با فاصله بیایند. مرگ در جامعه همان بی مرگی است. بی مرگی در جامعه همان مرگ است.

روش سوم :

دو کلمه متضاد (—) به همدیگر وصل شوند. حاضرِ غایب ، دیوانهٔ عاقل ، مستِ هوشار ، فقیرِ پولدار ، خوابِ بیدار

* هرگز وجود حاضرِ غایب شنیده‌ای من درمیان جمع دلم در جای دیگر است

استاد !!!! اگه دو عمل متضاد داشتم ولی به وسیله (—) اتفاق نیافتاد از کجا بفهمم که آرایه تناقض دارم یا آرایه تضاد؟؟؟؟

آفرررررین سوال خوبی پرسیدی....

زمانی تناقض داری که دو عمل متضاد از یک نفر و در یک زمان واحد رخ بده.

من دیروز حاضر بودم امروز غایب هستم.

دیروز دوستم حاضر بود من غایب بودم.

من امروز هم حاضر هستم هم غایب.

سمممممم مطلق :

حاضر بودن تو سبب غایب بودن من شد.

پولداری تو سبب فقیری من شد.

روش چهارم :

به یک چیزی فعل یا صفت بلعکس بدیم.

آتش همه جا را سرد کرد ، آتش سرد ، برف سیاه ، خورشید آمد همه جا تاریک شد ، شب آمد همه جا روشن شد ، گودال رفیع ، کوه سست

* ز کوی یار می آید نسیم باد نوروزی از این باد ارمدد خواهی چراغ دل برافروزی

سموم سرد ، در حسیض هم می توان عزیز بود ، دولت فقر ، رندان پارسا ، صورت معنی ، خشت زیر سر و بر تارک هفت اختر

۱- در کدام بیت، آرایه «پارادوکس» (Paradox) مشهود نیست؟

- | | |
|--|---------------------------------------|
| دست غریق یعنی فریاد بی‌صدایم | ۱) گوشِ ترحمی کو کز ما نظر نپوشد |
| شادی آورد گُل و باد صبا شاد آمد | ۲) بوی بهبود ز اوضاع جهان می‌شنوم |
| خزم آن کس کاو بدان غم شادمانی می‌کند | ۳) می‌خورم جام غمی هر دم به شادی رُخت |
| از این باد آر مدد خواهی چراغ دل برافروزی | ۴) ز کوی یار می‌آید نسیم باد نروزی |

۲- در همه ابیات به جز بیت آرایه «متناقض‌نما» وجود دارد.

- | | |
|--------------------------------------|--|
| کی طمع در گردشِ گردونِ دون پرور کنم؟ | ۱) من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست |
| یعنی رواج گریه‌ی ما کم نمی‌شود | ۲) بازار گُل فروش ندارد غم کساد |
| در کشور ما رونق بازار کسادی است | ۳) ما هیچ متاعان خجل از قدرِ رواجیم |
| کو مجالی که یکایک هم تقریر کنم؟ | ۴) با سر زلف تو، مجموع پریشانی دل |

۳- در کدام بیت، آرایه «پارادوکس» (Paradox) مشهود است؟

- ۱) ای یوسفِ خوش‌نام ما، خوش می‌روی بر بام ما
 - ۲) شب رفت صبح آمد، غم رفت فتوح آمد
 - ۳) آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
 - ۴) خوبان پارسی گو بخشندگان عمرند
- ای در شکسته جام ما، ای بر دریده دام ما
خورشید چراغان شد تا باد چنین بادا
با دوستان مرّوت با دشمنان مدارا
ساقی بده بشارت رندان پارسا را

۴- در کدام بیت، آرایه‌ی «متناقض‌نما» به‌کار نرفته است؟

- ۱) زلفِ آشفته‌ی او موجب جمعیت ماست
 - ۲) از خلاف آمدِ عادت بطلب کام که من
 - ۳) زدیم در خم زلفِ گره‌گشای تو چنگ
 - ۴) گفتم که کُفرِ زلفت گمراه عالمم کرد
- چون چنین است پس آشفته‌ترش باید کرد
کسب جمعیت از آن زلفِ پریشان کردم
که مفلسیم و نداریم هیچ دستاویز
گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید

۵- از کدام بیت، نوعی «پارادوکس» (Paradox) استنباط می‌شود؟

- | | |
|--------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱) طبعی به هم رسان که بسازی به عالمی | یا همّتی که از سرِ عالم توان گذشت |
| ۲) یک روز صرف بستن دل شد به این و آن | روزِ دگر به کندنِ دل از جهان گذشت |
| ۳) وضع زمانه قابل دیدن دو بار نیست | رو پس نکرد هر که از این خاکدان گذشت |
| ۴) مضمون سرنوشتِ دو عالم جز این نبود | کان سر که خاکِ راه شد از آسمان گذشت |

۶- در همه ابیات به جز آرایه‌ی «متناقض‌نما» وجود دارد.

- | | |
|---|--------------------------------------|
| ۱) هر کس که تو را به دوستی تکیه بر اوست | چون درنگری دشمنِ جانِ تو هم اوست |
| ۲) با من آمیزش او الفتِ موج است و کنار | دم به دم با من و پیوسته گریزان از من |
| ۳) تا نگردي آشنا زین پرده رمزی نشنوی | گوشِ نامحرم نباشد جای پیغام سروش |
| ۴) این مقرّر شد که هرگز نیست راحت در جهان | راحتی گر هست در ترکِ امیدِ راحت است |

۷- در همه ابیات به جز آرایه‌ی «متناقض‌نما» مشهود است.

فخرها دارند و عاری بیش نیست
عیش این گلشن خماری بیش نیست
این خونِ گرم در جگرِ روزگار نیست
جز زهرِ غُصّه در شکرِ روزگار نیست

(۱) بیدل این کم همّتان بر عَزّ و جا
(۲) لاله و گل زخمیِ خمیازه‌اند
(۳) داغِ دلم چو لاله به مرهم نمی‌رسد
(۴) کام آشنا به محضِ روزگار نیست

۸- در کدام بیت، آرایه‌ی «متناقض‌نما = پارادوکس» وجود دارد؟

که در کمین من آن چشم نامسلمان است
که این معامله بیرون ز کُفر و ایمان است
هنوز صورت او زیر پرده پنهان است
دل من است که هم جمع و هم پریشان است

(۱) بگو چگونه کنم دعوی مسلمان‌ی؟
(۲) به عشق زلف و رُخت، فارغم ز دیر و حرم
(۳) مهی که راز من از پرده آشکارا کرد
(۴) به یاد کاکلِ پُرتاب و زلفِ پُر چینش

۹- در کدام بیت، آرایه‌ی «متناقض‌نما» به کار رفته است؟

سرِ ملوک جهان جمله بر زمین من است
که از مشاهده‌اش مجمعی پریشان است
دل من است که هم جمع و هم پریشان است
هنوز صورت او زیر پرده پنهان است
که دردِ یارِ پرچیچهره عینِ درمان است
که خاکِ میکده خوش‌تر از آب حیوان است

۴) ه-ج-و

۳) ب-د-ج

الف) از آن زمان که زمین بوسِ آستان توأم
ب) میان جمع، پریشان شاهی شده‌ام
ج) به یاد کاکُلِ پُرتاب و زلفِ پُر چینش
د) مهی که رازِ من از پرده آشکارا کرد
ه) عجب مدار که در عینِ درد خاموشم
و) مگر به یادِ لبت باده می‌دهد ساقی

۲) الف-ج-ه

۱) الف-ب-د

۱۰- در کدام بیت، آرایه‌ی «متناقض‌نما» به کار رفته است؟

درد کز وی رسدم، مایه‌ی درمانِ من است
زنده بی‌جان نتوان بودن و او جانِ من است
دلِ دیوانه و شَم چون نه به فرمانِ من است
به چه معلوم توان کرد که او را دهن است

(۱) کشته‌ی عشق وی از زنده‌ی جاوید به است
(۲) مُردم از فرقتِ جانان و عجب نیست از آنک
(۳) پای بندِ زلفینِ چو زنجیرِ تو شد
(۴) گر شکرخنده‌ی آن پسته‌ی شیرین نبود

۱۱- در کدام بیت، آرایه‌ی «متناقض‌نما» وجود دارد؟

تا کی آهسته و نهان گفتن
با دولت وصالِ خوش بود روزگاری
هرکه را بوده است آهِ سرد می‌داند که چیست
ورنه هر مو بر تنِ ایامِ دشمن، دشمن است

(۱) دوست می‌دارمت به بانگ بلند
(۲) ما را ز هم جدا کرد ایام ورنه ما را
(۳) آتش سردی که بگذارد درونِ سنگ را
(۴) ما و دشمن دوستی، این رسم، رسمِ تازه‌ای است

۱۲- در کدام بیت «تناقض» وجود ندارد؟

- ۱) همه اسباب پریشانی ما جمع آمد
- ۲) جمعیت خاطر ندهد دست، کسی را
- ۳) گویایی سکوت‌م و بی‌تابی درنگ
- ۴) گروهی سر به سر گویای خاموش

تا ز مجموعه‌ی آن زلف پریشان شده‌ایم
کاشفتگی زلف پریشان تو دارد
غمگین بی‌قراریم و بی‌قرار هیچ
ولی چون بحر در بر کرده در جوش

۱۳- در کدام گزینه، آرایه‌ی متناقض‌نما (پارادوکس) به کار رفته است؟

- ۱) دلم امروز چو کاه از نفسی می‌لرزد
- ۲) گر چو شب‌نم نفسی هم نفسِ گل بودم
- ۳) یافت با شکوه زه زندگی من پایان
- ۴) حاصل ذوق و هنر خون جگر بود مرا

یاد آن روز که چون کوه جگر بود مرا
بهره زان وصل همان دیده‌ی تر بود مرا
چون جرس ناله‌ی من زاد سفر بود مرا
این هم از بی‌هنری‌های هنر بود مرا

۱۴- در همه ابیات به استثنای بیت آرایه‌ی «متناقض‌نما» به کار رفته است.

- | | |
|------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) من پرستار دو چشم خوش بیمار توام | گر چه بیمارپرستی بتر از بیماری‌ست |
| ۲) فلک به مردم نادان دهد زمام مراد | تو اهل فضلی و دانش همین گناهت بس |
| ۳) ختم پایانیم، مهر آغاز کن | ای که در آغاز پایانی هنوز |
| ۴) من عهد تو سخت سست می‌دانستم | بشکستن آن درست می‌دانستم |

۱۵- در کدام بیت، آرایه‌ی «تناقض» به کار رفته است؟

- | | |
|---|---------------------------------------|
| ۱) بگویم تا بداند دشمن و دوست | که من مستی و مستوری (=پاکدامنی) ندانم |
| ۲) تو نه مثل آفتابی که حضور و غیبت افتد | دگران روند و آیند و تو همچنان که هستی |
| ۳) گفتی به غم بنشین یا از سر جان برخیز | فرمان برمت جانا، بنشینم و برخیزم |
| ۴) هرگز وجود حاضرِ غایب شنیده‌ای | من در میان جمع و دلم جای دیگر است |

۱۶- همه بیت‌ها به غیر از بیت آرایه‌ی «متناقض» موجود است.

- | | |
|---|--|
| کسب جمعیت از آن زلفِ پریشان کردم | ۱) از خلاف آمد عادت بطلب کام که من |
| از این باد آرمدد خواهی چراغ دل برافروزی | ۲) ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی |
| اگر می‌دید معراج ز پا افتادن ما را | ۳) فلک در خاک می‌غلتید از شرم سرافرازی |
| همه را نغمه و ترانه یکی‌ست | ۴) گر هزار است بلبل این باغ |

۱۷- در کدام بیت، آرایه‌ی «تناقض» به کار رفته است؟

- | | |
|---|---|
| جز بدان خاک آستان، روشن | ۱) دیده‌ی بختِ مقبلان نشود |
| حاصل این عقل غم‌افزای شادی‌گاه را | ۲) آب در ساغر بزن بر عشق و در مجمر بسوز |
| با فرودین پایگاه همّتی دون است و پست | ۳) همّتی دارد چنان عالی که چرخ برترین |
| با چنین دل‌بستگی، از خود بریدن مشکل است | ۴) هر سر موی تو را با زندگی پیوندهاست |

۱۸- در کدام بیت، آرایه‌ی «تناقض» وجود ندارد؟

- | | |
|------------------------------------|---------------------------------------|
| کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است | (۱) دولت فقر خدایا به من ارزانی دار |
| این چنین ساکن روان که منم | (۲) کی شود این روان من ساکن |
| جرمش این بود که اسرار هویدا می‌کرد | (۳) گفت آن یار کز او گشت سرِ دار بلند |
| ندیدم همچو تو پیدا نهانی | (۴) مثال عشق پیدایی و پنهان |

۱۹- در کدام بیت، آرایه‌ی «تناقض» وجود ندارد؟

- | | |
|--|--------------------------------------|
| که من مستی و مستوری (پاکدامنی) ندانم | (۱) بگویم تا بداند دشمن و دوست |
| فقیران منعم، گدایان شاه | (۲) چنین نقل دارم ز مردان راه |
| از این باد آر مدد خواهی چراغ دل برافروزی | (۳) ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی |
| کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است | (۴) دولت فقر خدایا به من ارزانی دار |

۲۰- در همه ابیات به استثنای بیت آرایه‌ی «متناقض‌نما» وجود دارد.

- | | |
|---------------------------------------|--|
| کاین چرخ فرومایه ندارد ثمن ما | (۱) بی‌قیمتی ما ز گرنامیگی ماست |
| که خورشید جمع از پراکندگی است | (۲) ره رستگاری در افکندگی است |
| که به کفر سر زلفت نبود ایمانش | (۳) در ره عشق مسلمان نتوان گفت که او را |
| ابر گاه از باد جمع و گه پریشان می‌شود | (۴) آه گاه از دل زداید زنگ و گه زنگ آورد |

۱. گزینه «۲» ۸. گزینه «۴» ۱۵. گزینه «۴»
۲. گزینه «۲» ۹. گزینه «۲» ۱۶. گزینه «۴»
۳. گزینه «۴» ۱۰. گزینه «۱» ۱۷. گزینه «۱»
۴. گزینه «۳» ۱۱. گزینه «۳» ۱۸. گزینه «۳»
۵. گزینه «۴» ۱۲. گزینه «۲» ۱۹. گزینه «۱»
۶. گزینه «۳» ۱۳. گزینه «۴» ۲۰. گزینه «۴»
۷. گزینه «۳» ۱۴. گزینه «۴»